

بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صور خیال

اعظم گله‌داری*

دکتر سید جعفر حمیدی**

دکتر شمس‌الحاجیه اردلانی***

چکیده

اقبال لاهوری شاعری نام آشنا در گستره ایران و جهان است. در مورد این شاعر و فیلسوف بزرگ و اندیشه‌های عمیق دینی و فلسفی و اجتماعی وی پژوهش‌های فراوانی در قالب کتاب، مقاله، پایان‌نامه و... به زبان‌های فارسی، انگلیسی و اردو نگارش یافته است، اما گویا غور این شاعر در راز و رمز هستی و پستی و بلندی‌های جامعه و پرسش‌های همراه با حیرت او، اقبال پژوهان را چنان معطوف خود نموده است، که کمتر به بررسی زیبایی‌های شعری وی پرداخته‌اند. در تحقیق پیش رو به بررسی صورخیال در اشعار کتاب جاویدنامه اقبال لاهوری بر اساس عناصری مانند: تشبیه، تشخیص، استعاره، اغراق، حس‌آمیزی، کنایه، نماد و اسطوره پرداخته شده. و میزان توانمندی این شاعر اردو زبان در سرودن شعر فارسی و به کار بردن عنصر تخیل در شعر به نمایش گذاشته شده است. روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی - توصیفی و گردآوری اطلاعات به روش معمول کتابخانه‌ای است. در بررسی جاویدنامه تشخیص، تشبیه بلیغ، استعاره از پرکاربردترین انواع صورخیال به کار رفته در این کتاب هستند.

واژه‌های کلیدی

جاویدنامه، صور خیال، تشبیه، استعاره، تشخیص.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

** استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی، بوشهر، ایران. (نویسنده مسؤول)

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بوشهر، گروه زبان و ادبیات فارسی، بوشهر، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۶/۲۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۹

در بین انواع هنر، شعر، هنری کلامی است و چون در قالب زبان ارایه می‌شود بیشتر از هنرهای دیگر با مخاطب پیوند برقرار می‌کند و اگر برخوردار از زیبایی باشد می‌تواند او را به اقتناع درونی برساند.

ادگار آلن پو در باره شعر و زیبایی آن می‌گوید شاعر با نیک و بد و یا حقیقی بودن کاری ندارد سر و کارش فقط با زیبایی است. وظیفه نخستین او رسیدن به زیبایی برین است که زیبایی این جهانی جلوه‌ای از آن است. (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۲۰).

شگفت‌انگیزی در هر هنری به گونه‌ای آفریده می‌شود، در ادبیات شگردهای بلاغی یا همان برجسته‌سازی زبان، حس شگفتی را پدید می‌آورند. این حس از رودرویی شناخت عقلانی و شناخت عاطفی پدیدار می‌شود و ناشی از شکستن هنجارها یا غریبه و ناآشناکردن زبان است و به انتقال شناخت عاطفی می‌انجامد. (جبری، ۱۳۹۱: ۳۲). «سیمین دانشور نیز از جمله نخستین کسانی است که بحث زیبایی‌شناسی را مطرح و عناصر زیبایی هنری را، این گونه برشمرده است: «نظم، تناسب، هماهنگی، تکرار، تنوع، وحدت در کثرت، توازن، تقارن، ایجاز، شگفت‌انگیزی، چند بعدی بودن و غیره». (دانشور، ۱۳۷۵: ۲۹-۳۴). بخشی از عناصر زیبایی-ساز کلام تحت عنوان صور خیال شناخته می‌شوند؛ ایماژ یا صور خیال مجموعه تشبیه‌ها و استعاره‌ها و به طور کلی صورت مجازی بیان را در بر دارد. آنچه یک اثر ادبی را از هر کلام دیگری متمایز می‌سازد به کارگیری صور خیال است. قطعاً به کارگیری این عناصر تخیل‌آفرین نیازمند هوش و ذوق فراوان و تسلط وی بر اصول شاعری است. «خیال و خیال‌انگیزی از جمله ارکان اصلی شعر، و صورخیال گوهر اصلی آن است و معیار ارزش و اعتبار هنری شعر را تعیین می‌کند. تمام کتاب‌های منطق اسلامی بنیاد شعر را تخیل و آن را کلامی مخیل دانسته‌اند». (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۲۸).

به عقیده منتقدان و سخن‌شناسان، خیال روح و جان‌مایه هر پدیده ادبی، به ویژه شعر است و اصولاً هر اثر ادبی، ارتباطی تنگاتنگ با خیال و تصاویر شاعرانه دارد؛ به همین دلیل بحث از

بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال □□ ۸۹

عنصر خیال در شعر، بحث از گوهر و ذات شعر است؛ در حقیقت، شعر فاقد خیال، شعری بی‌جان و مرده و فسرده خواهد بود. یکی از علل و عوامل اصلی ماندگاری شعر و هر پدیده ادبی در زمان، به قوت و قدرت خیال و نوع نگرش خیال‌انگیز شاعر نسبت به پدیده‌ها برمی‌گردد؛ بنا بر این رمز جاودانگی هر شاعر برجسته در تصاویر فنی و صورخیال شگفت‌انگیزی است که آفریده و نقش می‌زند. با این همه، برخی از منتقدان ادبی به دلیل توجه بیش از اندازه به صورت و ساختار بیرونی شعر - و نه درون‌مایه آن - در ارزیابی و نقد آثار شاعران به کژراهه رفته و در درک ابعاد هنری، ادبی آثار بازمانده‌اند؛ زیرا عدم توجه به خلاقیت‌های شاعر در عرصه صورخیال و تصاویر شاعرانه، از او تصویری ناقص، یک بعدی و سطحی ترسیم می‌نماید.

تصویر که در بلاغت فارسی آن را صورت خیال و جمع آن را صور خیال نامیده‌اند حاصل نیروی تخیل شاعر است و «تخیل عبارت است از کوششی که ذهن هنرمند در کشف روابط پنهانی اشیاء دارد به تعبیر دیگر تخیل نیرویی است که به شاعر امکان می‌دهد که میان مفاهیم و اشیاء ارتباط برقرار کند.» (شفیعی، ۱۳۸۹: ۸۹) بنا بر این می‌توان گفت تصویر عبارت است از کشف روابط پنهان بین اشیا و بیان آن به وسیله الفاظ. «خیال عنصر اصلی شعر در همه تعریفهای قدیم و جدید است.» (شفیعی، ۱۳۸۹: ۳) تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، اغراق، ایهام، تشخیص، حس‌آمیزی، متناقض‌نما، سمبل، از اقسام صور خیال است که شاعران با بهره‌بردن از آن‌ها به سحرآفرینی در کلام می‌پردازند. تا جایی که بررسی کرده‌ایم تاکنون به صورت اختصاصی تحقیقی به نام بررسی صور خیال در شعر جاویدنامه اقبال لاهوری صورت نگرفته است، از این روی این تحقیق می‌کوشد تا به بررسی عناصر تخیل‌ساز در شعر جاویدنامه پردازد و تا هم محکی جهت نشان‌دادن میزان توانایی شاعر باشد و از سوی دیگر، فرصتی برای شناخت بیشتر شعر شاعر از این روی فراهم آید.

صور خیال در جاویدنامه

تشبیه

بررسی صور خیال اشعار شاعران مختلف سبک و ارزش هنری و زیبایی آثار ادبی را آشکار می‌سازد. دستگاه بلاغی برجسته‌ترین و مهم‌ترین دستگاه زبان ادبی است که می‌توان روند آفرینش ادبی را در آن ملاحظه کرد. اساسی‌ترین رکن این دستگاه تشبیه است که سایر اجزای دیگر را در بر می‌گیرد. تشبیه به عنوان هسته تمامی خیال‌های شاعرانه، از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی ادیبان گذشته هم چون «ابن رشیق قیروانی» در «العمده» به نقل از برخی ادبا شعر را چیزی مشتمل بر تشبیهی خوش و استعاره‌ای دلکش می‌دانند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۲۸).

بی‌تردید شاعران و نویسندگان نگاه‌های بدیع خویش را در دستگاه بلاغی ویژه‌ای پی‌ریزی می‌کنند و بدین‌گونه سبک خاص خویش را به نمایش می‌گذارند، بنا بر این می‌توان چنین برداشت کرد که، ساختارهای تشبیهی و استعارای از جمله نخستین محمل‌هایی است که این تحول را نشان می‌دهد (رضایی جمکرانی، ۱۳۸۴: ۸۸).

تشبیه مهم‌ترین رکن دستگاه بلاغی و هسته خیال شاعران به شمار می‌آید. برای تشبیه تعاریف متعدد به ثبت رسیده است که به طور خلاصه می‌توان به تعریف جرجانی اشاره کرد: «تشبیه این است که معنی یا حکمی از معانی و احکام چیزی را برای چیز دیگر ثابت کنیم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۵۳) مشبه، مشبه‌به، ادات تشبیه و وجه شبه اجزای تشبیه است که از این میان مشبه و مشبه‌به، اساس و مهم‌ترین رکن به شمار می‌آید تا آن‌جا که وجود تشبیه بی‌آن دو امکان‌پذیر نیست. توجه به نحوه کاربرد هر یک از این اجزا دریچه‌ای به شناخت سبک سخن شاعر است، برای مثال آوردن مشبه‌به‌های تازه در برجسته‌سازی زبان ادبی بسیار مؤثر است. کاربرد مشبه‌به‌های دور از ذهن میزان حدس فوری مخاطب را کاهش می‌دهد و اگر کاملاً بر خلاف انتظار مخاطب باشد شاهد برجسته‌سازی‌های شگرفی در سخن شاعر هستیم. در سروده‌های جاویدنامه، بیش از ۲۵۳ (دویست و پنجاه و سه) مورد تشبیه مشاهده

بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال □ ۹۱

گردید. برای آن که تصویر روشن تری از تشبیهات ارایه شود، به بررسی تشبیهات در شاخه‌های خاص می‌پردازیم. در این بررسی ذکر شدن یا عدم ذکر شدن، ادات و وجه شبه را ملاک کار قرار می‌دهیم، تشبیه مؤکد (عدم ذکر ادات تشبیه) مرسل (ذکر شدن ادات تشبیه)، مفصل (ذکر شدن وجه شبه)، مجمل (عدم ذکر وجه شبه).

تشبیه بلیغ

تشبیه بلیغ گونه‌ای از کاربرد تشبیه در دورترین فاصله میان مدلول و مصداق است (رضایی جمکرانی، ۱۳۸۴: ۹۴). این تشبیه هم مجمل است و هم مؤکد، به عبارتی دیگر تشبیهی است که ادات و وجه شبه آن حذف شده و تنها مشبه و مشبه‌به آن باقی مانده است؛ این تشبیه گاه به صورت ترکیبی اضافی مشاهده می‌شود (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۱۰).

تشبیه بلیغ زیباترین نمونه تشبیه به شمار می‌آید، زیرا در آن ادعای یکی بودن مشبه و مشبه‌به، بیشتر از همانندبودن است و همین موجب اوج اغراق در تشبیه می‌شود (همان: ۱۱۱). تشبیه بلیغ در جاویدنامه یکی از پرکاربردترین تشبیهات به کار رفته می‌باشد. اقبال با به کار بردن تشبیهات بلیغ خواننده را در بازتولید اشعار خویش همراه می‌کند، کشف ارتباط‌های پنهانی مشبه و مشبه‌به توسط خواننده، علاوه بر برانگیختن اعجاب او حس لذت را نیز در وجودش برمی‌انگیزد و به نوعی خود را شریک و همراه سخن شاعر می‌داند.

این جهان صید است و صیادیم ما یا اسیر رفته بر بادیم ما

(لاهوری، ۱۹۸۲: ۱)

از جمال مانصیب خود نبرد از نخیل زندگانی بر نخورد

تشبیه زندگی به نخل (همان: ۲۲۵)

تشبیه بلیغ به صورت اضافی در اشعار او از بسامد بالایی برخوردار است. اقبال با به کار بردن این نوع تشبیه در قالب یک ترکیب اضافی، گذشته از ایجاد تشبیهات فشرده، نوعی ترکیب‌سازی در اشعار خود به نمایش می‌گذارد و به زیبایی اشعارش، هم در حوزه خیال و هم

۹۲ بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال

در حوزهٔ زبانی می‌افزاید.

گر نرنجی این زمین شوره‌زار تخم آرزو را سـازگار نیست

(همان: ۳)

نخل فکرم نا امید از برگ و بر یا تبر بفرست یا باد سحر

(همان: ۴)

آن چنان تار نفس از هم گسیخت رنگ حیرت خانهٔ ایام ریخت

(همان: ۷)

ترکیباتی چون: تماشاخانه سحر، تماشاخانه افکار، تار شعر، مشت خاک ما، پیراهن تقلید، شرار کبریا، کشت دل، شبستان وجود و... ترکیبات بدیعی است که نمایان‌گر این شگرد هنری در شعر اقبال است.

تشبیه مفصل و مرسل

اقبال تشبیهات خود را آشکار و بی‌پرده در برابر چشمان مخاطب قرار نمی‌دهد، در موارد معدودی تشبیه مفصل وجود دارد و این در حالی است که شاعر بارها از تشبیه بلیغ در اشعار خویش بهره برده است.

آدمی اندر جهان هفت رنگ هر زمان گرم فغان مانند چنگ

(مشبه آدمی، مشبه به: چنگ، ادات مانند، وجه شبه: فغان کردن) (لاهوری، ۱۹۸۲: ۱)

گفت این پیکر چو سیم تابناک زاد در اندیشهٔ یزدان پاک

(مشبه پیکر، مشبه به: سیم، ادات: چو، وجه شبه: صفت تابناک) (همان: ۴۲)

تو فروغ جاودان ما چون شرار یک دو دم داریم آن هم مستعار

(مشبه ما، مشبه به: شرار، ادات، چون، وجه شبه: دو دم داشتن). (همان: ۵)

از طرف دیگر، دو رکن تشبیه بنا به اینکه محسوس یا معقول یا وهمی و تخیلی باشند دارای تقسیماتی است، از قبیل:

بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال □□ ۹۳

۱- محسوس به محسوس ۲- محسوس به معقول ۳- محسوس به موهوم ۴- محسوس به تخیلی و انواع دیگر که با جانشین شدن موارد فوق به جای یکدیگر حاصل می‌شود.

تشبیه معقول به محسوس

همسـر او بـودن آزار حیات	وصل او زهر و فراق او حیات
(لاهوری، ۱۹۸۲: ۱۲۸)	
مهر تو را دل حزین بافته بر قماش جان	رشته به رشته نخ به نخ تار به تار و پو به پو
(همان: ۱۳۷)	
قلزم فکرم سرا پا اضطراب	ساحلش از زور طوفانی خراب
(همان: ۱۳۸)	
چون سرمه رازی را از دیده فرو شستم	تقدیر امم دیدم پنهان به کتاب اندر
(همان: ۴۳)	
من به خود افروختم نار حیات	مردم را گفتن ز اسرار حیات
(همان: ۱۴۳)	

تشبیه محسوس به محسوس

در برشان حله‌های لاله‌گون	چهره‌ها رخشنده از سوز درون
(لاهوری، ۱۹۸۲: ۱۳۴)	
لکه‌های ابر در کوه و دمن	پنبه پیران از کمان پنبه‌زن
(همان: ۱۸۸)	
ساکنانش در سخن شیرین چو نوش	خوب روی و نرم خوی و سادپوش
(همان: ۱۲۱)	
در تب و تابی ز هنگام السبت	از شراب نغمه‌های خویش مست
(همان: ۱۳۵)	

۹۴ بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال

اقبال در اغلب موارد می‌کوشد تا امور معقول را محسوس جلوه دهد. بسامد بالای تشبیهات عقلی به حسی مویذ این نظر است. اقبال با کاربرد تشبیهات قصد ندارد سخن را پیچیده کند؛ اما این صنعت کلام او را خیال‌انگیز می‌نماید. او قصد دارد کلام را از آن پیچیدگی رها نماید و به وضوح و سادگی و زبان عامه نزدیک کند. و این هدف بر نمی‌آید مگر با کاستن از اطناب ممل و ایجاز مخل در تصاویر و بیان آن به گونه‌ای که مردم بر زبان جاری می‌سازند. نکته قابل توجهی که در وجه شبه‌های جاویدنامه به چشم می‌خورد این است که این وجوه اموری محسوس هستند که باعث روانی سخن گردیده‌اند. با بررسی صورتشبیه در جاویدنامه به این نتیجه می‌رسیم که بستر شعر اقبال، بیشتر در امور محسوس و معقول جریان دارد نه وهمی و خیالی. شاعر با استفاده از محسوسات در تلاش است این امور را برای خواننده‌اش ملموس و قابل فهم کند.

تشبیه مضمّر

تشبیه مضمّر یعنی تشبیه پنهان، بدین معنا که ظاهراً با ساختار تشبیهی مواجه نیستیم ولی مقصود گوینده تشبیه است و به هر حال جمله قابل تأویل به جمله تشبیهی است (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۹) تشبیه مضمّر یکی از شاعرانه‌ترین امکانات سخن و یکی از شکل‌های خیالی غریبی است که ذهن خلاق، دقت و استعداد هنرمند را نشان می‌دهد. در شعر جاویدنامه تشبیه مضمّر هم‌چنان مورد توجه است و پا به پای سایر صنایع مورد استفاده قرار گرفته است. به بررسی تشبیه مضمّر در این اثر در مثال‌های زیر پرداخته می‌شود.

نـازنینی در طلسم آن شـبـی آن شـبـی بیـکـوکی را کـوکی
(همان: ۴۲)

از محتوای بیت بالا به طور ضمنی، تشبیه عارف به کوکب دریافت می‌گردد.
آن برهمن زادگان زنده‌دل لاله احمد ز روی‌شان خجل
(بیان شرمساری «لاله» از «عارض برهمن‌زاده» و در عین حال تشبیه «عارض او» به «لاله»)

بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال ۹۵□□

(همان: ۱۹۳)

کافر بیداردل پیش صنم به ز دین‌داری که خفت اندر حرم
چشم کور است این‌که بیند ناصواب هیچ‌گه شب را نبیند آفتاب

(همان: ۴۰)

از محتوای ابیات این‌چنین بر می‌آید که شاعر به طور ضمنی چشم کور دین‌دار را به شب مانند کرده است و همان‌طور که شب از دیدن آفتاب محروم است کورچشم هم توان درک حقیقت را ندارد.

نامش از خورشید و مه تابنده‌تر خاک قبرش از من و تو زنده‌تر

(همان: ۲۰۱)

یکی از روش‌های مقایسه‌شده با مشبه‌به استفاده از صفت تفضیلی است، به این صورت که با استفاده از پسوند صفت تفضیلی «تر» برتری مشبه بر مشبه‌به را بیان کنند. در مثال بالا برای بیان برتری «نام ممدوح بر خورشید و ماه» از همین شیوه استفاده شده است.

جاویدنامه از لحاظ تشبیه غنی است و انواع مختلف تشبیه در آن به کار رفته است (۲۵۳ مورد). در بحث مشبه و مشبه‌به، اقبال نگاهی گسترده داشته و تقریباً در هر موضوعی وارد شده است اما بیشتر به عناصر و اوصاف انسانی و عقلی توجه دارد. ۶۱ درصد تشبیهات اقبال بلیغ است. حذف وجه شبه سبب تلاش ذهنی و کسب لذت ادبی بیشتر می‌گردد و بر تأثیر تشبیه می‌افزاید و حذف ادات تشبیه، ادعای اتحاد و هم‌سانی مشبه و مشبه‌به را قوت می‌بخشد تشبیهات او از نظر حسی و عقلی بودن طرفین بدین گونه‌اند: ۲۰/۹ درصد تشبیهات حسی به حسی می‌باشند و میزان تشبیهات عقلی به حسی در جاویدنامه ۶۰/۴ درصد و میزان تشبیهات حسی به عقلی ۱۴/۸ درصد و عقلی به عقلی ۳/۹ درصد است.

استعاره در جاویدنامه

اگر تشبیه بلیغ را تشبیه فشرده بنامیم استعاره در نهایت ایجاز است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۵۷)

۹۶ بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال

استعاره از چنان اهمیتی برخوردار است که برخی به نقل از ارسطو بلاغت را این‌گونه تعریف کرده اند: «البلاغه حسن الاستعاره» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۷) دی لوپس شاعر معاصر انگلیسی نیز استعاره را قانون حیاتی و محک اصلی شعر می‌داند (همان: ۹-۸).

استعاره در لغت به معنی عاریت خواستن و به عاریت گرفتن است و در اصطلاح عبارت است از آنکه یکی از دو طرف تشبیه را ذکر و طرف دیگر را اراده کنند؛ در این هنگام لفظ را مستعار، معنی یا مشبه را مستعارله، و مشبه به را مستعارمنه و وجه شبه را جامع می‌نامند. باید گفت که در استعاره علاقه میان معنی حقیقی و مجازی تنها مشابهت است (همایی، ۱۳۷۳: ۲۴۹-۲۵۰).

استعاره در واقع تشبیه فشرده‌ای است که یک طرف آن حذف شده است. کتاب‌های بلاغت نقش‌های متعددی برای استعاره در نظر گرفته‌اند شرح و توضیح معنا، تقویت بیان معنا، تأکید بر معنا، مبالغه در معنا، گسترش معنا، ایجاز و فشرده‌سازی، نوسازی بیان، ادای معنای واحد به صورت‌های مختلف (فتوحی، ۱۳۸۵: ۹۲-۹۳) از جمله این موارد است.

استعاره با فراوانی بالایی که در جاویدنامه دارد یکی از صنایع تخیل‌سازی است که جایگاه ویژه‌ای در زیبایی شعر را به خود اختصاص داده است. استعاره‌های به کار رفته در اشعار اقبال گاه ساده و آشکار است. بسامد استعاره مصرحه ۸۶ (هشتاد و شش) مورد است که در زیر به نمونه‌های آن اشاره می‌شود:

زیستم تا زیستم اندر فراق	وانما آن‌سوی این نیلی رواق
نیلی رواق استعاره از آسمان است.	(لاهوری، ۱۹۸۲: ۳)
خلوت نه گنبد خضرا است این	یا سواد خاکدان ماست این
	(همان: ۱۱۶)
گر چه از خاکم نروید جز کلام	حرف مهجوری نمی‌گردد تمام
خاک استعاره از وجود است.	(همان: ۵)
به جنگ باج‌ستانان شاخساری را	تهی سبد ز در گلستان بگردانیم

بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال ۹۷

به صلح بال فشانان صبح‌گاهی را ز شاخسار سوی آشیان بگردانیم

(همان: ۱۳۶)

در بهاران لعل می‌ریزد ز سنگ خیزد از خاکش یکی طوفان رنگ

(همان: ۱۸۸)

نیلی رواق، آسمان است که دیگر شاعران گذشته نیز بارها به آن اشاره کرده‌اند و هم‌چنین لعل و طوفان رنگ، استعاره از گل است. نکته جالب توجه در باب استعاره‌های ساخته شده در شعر اقبال آن است که شاعر در این حوزه (استعاره‌سازی) گاه نوآوری داشته است، ولی این امر نه تنها فهم شعر او را دشوار نموده بلکه به زیبایی و رونق کلامش نیز افزوده است. استعاره‌های بدیع اقبال از محتوای کلام او قابل تشخیص است.

استعاره بالکنایه

استعاره بالکنایه «آن است که تشبیه در دل گوینده مستور و مضمحل باشد و مشبه را ذکر کرده، مشبه به را در لفظ نیاورند اما از لوازم مشبه قرینه‌ای در لفظ بیاورند که دلیل بر مشبه باشد.» (همایی، ۱۳۷۳: ۲۵۱) در قسمت تشخیص به اختلاف میان استعاره بالکنایه و تشخیص اشاره می‌شود. استعاره بالکنایه ۱۲۴ (صد و بیست و چهار) بار در اشعار جاویدنامه به کار رفته است. با این‌که استعاره بالکنایه نیز همانند تشخیص، نوعی جان‌دارانگاری است؛ توجه عمیق شاعر به انسان، در حیطه جان‌دارانگاری علت کاهش آن در مقایسه با تشخیص است. از جمله استعاره‌های بالکنایه بکار رفته در اشعار اقبال به موارد ذیل می‌توان اشاره کرد:

دانه از گل می‌پذیرد پیچ و تاب تا کند صید شعاع آفتاب

(تشبیه دانه به صیاد) (لاهوری، ۱۹۸۲: ۴۰)

ای ز تو مرغ چمن راهای و هو سبزه از اشک تو می‌گیرد وضو

(تشبیه سبزه به انسان) (همان: ۱۹۴)

هر که از تقدیر سازد ساز و برگ لـرزد از نیـروی او ابلـیس مرگ

(همان: ۱۴۱)

آتَش ما را بیفزاید فراق جان ما را سازگار آید فراق

(همان: ۱۴۰)

حرف رومی در دلم سوزی فکند آن پنجاب آن زمین ارجمنند

(همان: ۱۸۴)

استعاره عنصر خیالی غالب از محورهای صور خیال در کلام اقبال است. با توجه به میزان استفاده شاعر از استعاره در کلام و کمیت بیشتر مکنیه چنین بر می آید که اقبال قصد خیال‌انگیزی و زیبایی کلام در عین زودفهمی آن را داشته است.

تشخیص

برجسته‌ترین و پربسامدترین عنصر صور خیال در شعر اقبال تشخیص است که از جمله زیباترین گونه‌های صورخیال در شعر به شمار می آید. ذهن شاعر با تصرف در اشیاء و عناصر بی‌جان طبیعت، از ره‌گذر نیروی تخیل خویش، به این عناصر حرکت و جنبش می‌بخشد (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۱۴۹)

تشخیص از آغاز شعر فارسی کم و بیش در آثار شاعران ایرانی یافت می‌شود اما حوزه به کارگیری آن تا قبل از رواج شعر منوچهری دامغانی محدود و اندک است (همتی، ۱۳۸۳: ۶۰) در کتاب‌های بیان، مدخلی به این صنعت اختصاص نیافته ولی در دوران معاصر برخی محققان چون شفیعی کدکنی، شمیسا و کزازی در باره تشخیص بحث نموده‌اند. شمیسا از تشخیص تحت عنوان پرسونیفیکاسیون یاد کرده است و آن را استعاره مکنیه تخیلیه‌ای می‌داند که مشابه آن در اکثر موارد انسان است (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۵۹) در کتب بلاغی قدیم استعاره بالکنایه همین تشخیص است با این تفاوت که حوزه تشخیص از انسان به حیوان وسعت یافته است.

بسیاری از علمای بلاغی مشهور غرب، شخصیت‌بخشی را مبتنی بر فرایند ذهنی فراقکنی دانسته‌اند که بر اساس آن، آدمی ویژگی‌ها و خصایص انسانی خود را به اشیاء و امور طبیعی

بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال □□ ۹۹

نسبت می‌دهد (محمدی و آسیابادی، ۱۳۸۵: ۱۱۶ و ۱۱۷) برخی نیز شخصیت بخشیدن به طبیعت و عناصر آن را مربوط به دوران آغازین تاریخ زندگی بشر دانسته‌اند. در این مراحل انسان با اشیاء و عناصر مورد پرستش خویش به راز و نیاز می‌پرداخت و از همین جاست که آنیمیس (جان‌دارانگاری) به میان آمد. (یمین، ۱۳۷۸: ۸۳)

در بررسی اشعار جاویدنامه دو مبحث استعاره بالکنایه و تشخیص جداگانه مورد بررسی قرار گرفت و تشبیهاتی در حوزه تشخیص به ثبت رسید که مشبه به محذوف آن انسان بود و بقیه موارد در ذیل استعاره بالکنایه مورد بررسی قرار گرفت. این شگرد بیانی از پرکاربردترین عناصر صور خیال در اشعار اقبال است تا آن‌جا که تشخیص ۴۸۷ (چهارصد و هشتاد و هفت) بار در این اثر به کار رفته است.

عصر حاضر را خرد زنجیر پاست جان بی‌تابی که من دارم کجاست

(لاهوری، ۱۹۸۲: ۳)

روح رومی پرده‌ها را بردرید از پس کوه‌پاره‌ای آمد پدید

(همان: ۱۳)

علم پیمان بسته با آیین جبر چاره او چیست غیر از جبر و صبر

(همان: ۱۳۹)

شوق چون بر عالمی شبخون زند آیینان را جاودانی می‌کند

(همان: ۱۴۰)

در ابیات فوق تشخیص‌هایی را مشاهده می‌کنیم. مفاهیمی عقلی هم‌چون شوق، خرد و علم و عشق در فضای شعر جانی انسانی یافته‌اند. فراوانی تشخیص در اشعار اقبال نشان از علاقه وافر شاعر به این عنصر خیال دارد. پویایی، تحرک و جان‌دارانگاری از جمله ویژگی‌های بارز اشعار اوست.

اهمیت تشخیص در اشعار او به حدی است که می‌توان آن را شاخصه سبکی اشعارش به شمار آورد. تشخیص در اشعار او از اعتدال برخوردار است و از تکلفات و تصنعات فاصله

۱۰۰ بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال

گرفته است. از جمله دیگر تشخیص‌های به کار رفته در اشعار اقبال به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

از افق صبح نخستین سر کشید عالم نو زاده را در بر کشید
(لاهوری، ۱۹۸۲: ۷)

طعنه‌ای زد چرخ نیلی بر زمین روزگار کس ندیدم این‌چنین
(همان: ۸)

شد زمین از طعنه گردون خجل نا امید و دل‌گران و مضحمل
(همان: ۸)

ای هوای تند ای دریای خون ای زمین ای آسمان نیلگون
(همان: ۱۷۲)

اقبال شاعری مردمی است پس بی‌تردید زبان او زبان مردم است، روان و ساده، با این‌که برخی از تشخیص‌های اشعار او معطوف به زبان عادی است؛ ولی قسم اعظم تشخیص‌های به کار رفته در اشعار او، نوعی آشنایی‌زدایی در زبان عادی است و از جمله تشخیص هنری محسوب می‌شود.

اسطوره

کاربرد اسطوره‌های ملی و مذهبی یکی دیگر از شگردهای تنوع در خیال شاعرانه است. در آن شاعر نوعی شباهت بین فرد مورد نظر و فرد یا واقعه ملی و مذهبی قایل می‌گردد. در این شیوه بیان شاعر رغبت زیادی نشان داده است.

نمونه‌های اسطوره در شعر جاویدنامه:

چون پرکاه که در ره‌گذر باد افتاد رفت اسکندر و دارا و قباد و خسرو
(لاهوری، ۱۹۸۲: ۲۳۰)

بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال ۱۰۱

عیار فقر ز سلطانی و جهان گیری است سریر جم به طلب بوریا چه می جویی

(همان: ۲۲۱)

جام جم را ای جوان باهنر کس نگیرد از دکان شیشه گر

ور بگیرد مال او جز شیشه نیست شیشه را غیر از شکستن پیشه نیست

(همان: ۱۹۲)

در میکده هادیدم شایسته حریفی نیست با رستم دستان زن بام غچه ها کم زن

(همان: ۱۹۶)

در جاویدنامه ۳۷ (سی وهفت) مورد اسطوره ملی و مذهبی می توان یافت که از ۳۷ مورد ذکر شده در کلام اقبال ۱۴ (چهارده) مورد مذهبی و ۲۳ (بیست و سه) مورد اسطوره ملی است. کاربرد اسطوره ملی از باب تسامح است و گرنه اقبال ملیت غیر ایرانی داشته است، لیکن چون شعر او به زبان فارسی است اسطوره ملی در مورد او مصداق پیدا کرده است.

اغراق

اغراق، افراط یا زیاده روی در ستایش یا نکوهش یا وصف کسی یا چیزی است. شفیع کدکنی این صنعت را عنصری از عناصر بیان می شمارد (شفیع کدکنی، ۱۳۸۹: ۱۳۰). در جاویدنامه موارد معدودی اغراق مشاهده می شود. در این اثر ۳۸ (سی وهشت) مورد اغراق به دست آمد.

گفتم این کاشانه ای از لعل ناب آن که می گیرد خراج از آفتاب

این مقام این منزل این کاخ بلند حوریان بر درگهش احرام بند

ای تو دادی سالکان را جستجوی صاحب او کیست با من بازگوی

گفت «این کاشانه شرف النساست مرغ بامش با ملائک هم نواست

(لاهوری، ۱۹۸۲: ۱۸۱)

می رود از فراق تو خون دل از دو دیده ام دجله به دجله یم به یم چشمه جو به جو

(همان: ۱۳۷)

اغراق‌های اقبال گاه به حوزه غلو کشیده می‌شوند، در اشعار مدحی جاویدنامه اغراق شدت بیشتری می‌یابد.

ترکیبات خاص

کاربرد ترکیب‌های بدیع و تخیلی از دیگر جنبه‌های زیبایی شعر است. کلام اقبال دارای ترکیبات بدیع و دلنشین است. این ترکیبات در عین جلا بخشیدن به کلام وی، پیچیدگی آن را نیز افزون می‌نمایند. کاربرد بیش از ۸۷ (هشتاد و هفت) مورد ترکیبات ابداعی، بیان‌گر ذهن ماجراجو و ترکیب ساز اقبال است و زبان فارسی با آن استعداد ترکیبی منحصر به فرد خویش اجازه خودنمایی به شاعر در این زمینه را می‌دهد.

نمونه‌ای از ترکیب‌های جاویدنامه:

کهنه کم خنده اندک سخن چشم او بیننده جان در بدن

(لاهوری، ۱۹۸۲: ۱۵۷)

بی‌تجلی مرد دانه نبرد از لگدکوب خیال خویش مرد

(همان: ۴)

پاش پاش از ضربتش لات و منات انتقام از وی بگیری ای کائنات

(همان: ۵۸)

آن چنان تار نفس از هم گسیخت رنگ حیرت خانه ایام ریخت

(همان: ۷)

شاعر رنگین نوا طاهر غنی فقر او باطن غنی ظاهر غنی

(همان: ۱۸۴)

سادگی گفتار در ترکیب‌های اقبال در عین زیبایی چیزی نیست که از نظر دور بماند و از تأثیر ویژه در زیبایی سخن برخوردار است.

حس آمیزی

«بیان و تعبیری است که حاصل آن از آمیخته شدن دو حس به یکدیگر یا جانشینی آن‌ها خبر دهد، مانند قیافه با نمک (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹: ۴۱)، این صنعت که یکی از خصایص سبک هندی به شمار می‌رود، در شعر اقبال نیز دیده می‌شود.

نمونه‌ای از حس آمیزی‌های اقبال:

شاعر رنگین نوا طاهر غنی فقر او باطن غنی ظاهر غنی

(لاهوری، ۱۹۸۲: ۱۸۴)

یک نگاه او گشاید صد گره خیز و تیرش را بدل راهی بده

(همان: ۱۸۵)

لاله رست و نرگس شهلا دمید باد نورووی گریباتش درید

(همان: ۱۸۸)

عشق رازی بود بر صحرا نهاد تو ندانی جان چه مشتاقانه داد

(همان: ۲۰۱)

گره گشادن با نگاه، دمیدن نرگس شهلا، نوای رنگین، راز بر صحرا نهادن و..... نمونه‌هایی از به کارگیری حس آمیزی در جاویدنامه است که این شیوه گفتار نیز کلام مخیلی به بار می‌آورد و ذهن خواننده را به تحریک وامی‌دارد.

سمبل و نماد

سمبل از بحث‌های جدید در کتب بلاغی و نقد ادبی است. شمیسا سمبل را در فصلی با عنوان استعاره‌گونه‌ها مورد بررسی قرار داده است. سمبل نیز مانند استعاره ذکر مشبه‌به و اراده مشبه است، اما با دو تفاوت. ۱- مشبه‌به در سمبل صریحاً به یک مشبه خاص و مشخص دلالت ندارد بلکه دلالت آن بر چند مشبه نزدیک به هم و به اصطلاح هاله‌ای از معانی و

۱۰۴ بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال

مفاهیم مربوط و نزدیک به هم است. ۲- در استعاره ناچاریم که مشبه به را به سبب وجود قرینه صارفه حتماً در معنای ثانوی دریابیم اما سمبل در معنای خود نیز فهمیده می‌شود. سمبل و نماد حاصل استعاره است با لفظ رمز و مظهر نیز ممکن است، نام برده شود، تفاوت سمبل با استعاره در تعداد مدلول و عدم وجود قرینه صارفه است (شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۸۹-۱۹۰).

پورنامداریان نماد را چیزی از جهان شناخته شده و قابل دریافت و تجربه، از طریق حواس می‌داند که به چیزی از جهان ناشناخته و غیر محسوس یا به مفهومی جز مفهوم مستقیم و متعارف خود اشاره کند به شرط آنکه این اشاره مبتنی بر قرارداد نباشد و آن مفهوم نیز یگانه مفهوم قطعی و مسلم آن تلقی نگردد (پورنامداریان، ۱۳۸۶: ۲۳).

نماد همیشه در ورای معنی جای می‌گیرد و نه تنها معنی را به شیوه‌ای خاص با حجاب می‌پوشاند بلکه باز هم به شیوه‌ای خاص حجاب‌ها را کنار می‌زند.

از جمله ویژگی‌های شعر اجتماعی و سیاسی نقش چشم‌گیر نماد در این اشعار است. در شعر اقبال شاهد دو گروه نماد عمومی یا تکراری و خصوصی هستیم و شاعر بسته به میزان قدرت و تخیل خود، از نمادها در اشعار خویش بهره یافته است.

نماد ارزشمند هاله‌ای از معانی را گرداگرد خود می‌تند، مخاطب را به ژرفای معنی می‌برد و شعر را مستعد دریافت‌های گونه‌گون می‌سازد. اقبال از نمادهای مختلفی برای بیان افکار و عواطف خویش بهره برده است. ماهیت سیاسی و اندرزی و پیوند عمیق شاعر با محتوای غنی فرهنگ اسلامی، شکوفایی نمادهای مذهبی در جاویدنامه را به همراه داشته است.

نمونه‌های سمبل در جاویدنامه: موش (انسان ضعیف و ترسو)، باز (انسان آزاده)، کف خاک (وطن)، زورق (دنیا)، لاله (شهید)، کاروان (مردم)، زمین شوره‌زار (وجود انسان)، گل بی‌حاصل (جسم انسان)، شبستان (دل)، حیرت‌خانه (دنیا)، طائر (شاعر)، امین (زمین)، امانت (انسان)، سنگ فسن (فرنگ) و....

کنایه

ابهام و پوشیدگی از ویژگی‌های زبان ادبی است و یکی از جلوه‌های آن کنایه است و آن پوشیده سخن گفتن است، سخنی دارای دو معنی قریب و بعید که لازم و ملزوم یک‌دیگرند و توانایی گوینده را در گوناگونی ادای معنی و قدرت انتقال شاعر را از معنایی به معنای دیگر می‌رساند و عنصری از عناصر دیرینه سنجش سخن از دیدگاه بیانی است.

اقبال در کنایه‌گویی نیز ید طولایی دارد، چنان‌که حدود ۶۲ (شصت و دو) مورد کنایه از کلامش استخراج شد. کنایات در سخن او دلنشین و روشن و گاه تکراری و مستعمل است. نمونه کنایه در جاویدنامه:

کاروان برگ سفر ناکرده ساز بیکران افلاک و شب‌ها دیر یاز

(لاهوری، ۱۹۸۲: ۱)

برگ سفرساز کردن کنایه از مهیا و آماده سفرشدن است.

عصر حاضر را خرد زنجیر پاست جان بی‌تابی که من دارم کجاست

(همان: ۳)

زنجیر پا بودن خرد کنایه از ناکارآمدی خرد است.

تو فروغ جاودان ما چون شرار یک دو دم داریم و آن هم مستعار

(همان: ۵)

یک دو دم داشتن کنایه از زندگی زود گذر است.

در حضورش کس نماند استوار ور بماند هست او کامل عیار

(همان: ۱۴)

کامل عیار کنایه از بی‌عیب و نقص.

عقل هم خود را بدین عالم زند تا طلسم آب و گل را بشکند

(همان: ۱۷)

۱۰۶ بررسی اشعار جاویدنامه اقبال لاهوری از منظر صورخیال

طلسم شکستن کنایه از حل مشکلات.

پیر هندی اندکی دم در کشید باز در من دید و بی تابانه دید

(همان: ۳۷)

دم در کشیدن کنایه از سکوت کردن.

خواست تا از آب و گل آید برون خوشه‌ای کز کشت دل آید برون

(همان: ۱۷۷)

چنان موزون شود این پیش پا افتاده مضمونی که یزدان را دل از تأثیر او پر خون شود روزی

(همان: ۱۰)

نتیجه

بی تردید، اقبال لاهوری شاعر بزرگ و برجسته‌ای است؛ چون تصاویر خیال‌انگیز او بسیار متنوع، رنگارنگ و برانگیزاننده‌اند؛ تشخیص، تشبیه بلیغ، استعاره بالکنایه، استعاره، کنایه، حس‌آمیزی، اغراق، ترکیبات خاص، نماد... به ترتیب بیشی و کمی، صور خیال اشعار جاویدنامه را تشکیل می‌دهند. اقبال در حوزه صور خیال تمایل زیادی به ایجاز و فشرده‌گویی دارد به همین علت بر خلاف تشبیهاتی مثل مجمل، مؤکد و مفصل که در اشعار او بسامد کمتری دارند، تشبیه بلیغ، تشخیص و استعاره از عناصر بارز صور خیال اشعار او هستند. تشخیص در اشعار اقبال با موارد بسیاری از جمله شاخصه‌های سبکی اشعار او به شمار می‌آید، البته توجه وی به انسان در حیطه جان‌دارانگاری موجب کاهش استعاره بالکنایه و افزایش تشخیص در اشعارش شده است. اقبال با استفاده از انواع تشبیهات بلیغ، استعاره و تشخیص، همانندی را به همانی نزدیک کرده است و نوعی اغراق در حوزه تشبیه به نمایش می‌گذارد. استعاره در اشعار او به دو صورت سنتی و بدیع قابل مشاهده است. گاه استعاره‌هایی که در اشعار شاعران گذشته به وفور به کار رفته در اشعار او مشاهده می‌شود و در پاره‌ای اوقات استعاره‌های بدیع و زیبایی که با ترکیب‌سازی همراه می‌شود در اشعار او جلوه‌گر است. بیشتر تشبیهات به کار رفته در اشعار اقبال تشبیهاتی عقلی است. کاربرد وافر انواع استعاره، تشخیص، تشبیه بلیغ نسبت به دیگر انواع صور خیال جاویدنامه و حرکت در قطب استعاری نشان از خلاقیت، قدرت تخیل و بلاغت تصویرسازی‌های اقبال دارد.

جدول-انواع صور خیال در جاویدنامه همراه با فراوانی

آرایه	تشبیه	تشخیص	استعاره بالکنایه	استعاره مصرحه	اغراق
فراوانی	۲۵۳	۴۸۷	۱۲۴	۸۶	۳۸
آرایه	ترکیب‌خاص	حس‌آمیزی	کنایه	نماد	اسطوره
فراوانی	۸۷	۱۵	۶۲	۳۸	۳۷

منابع و مأخذ

- ۱- پورنامداریان، تقی. سفر در مه. تهران: زمستان، ۱۳۸۶.
- ۲- جبری، سوسن، «نقد زیبایی‌شناسی هنری در متن ادبی (مطالعه موردی یک غزل حافظ)، مطالعات زبانی بلاغی»، ش ۵، ۳۲، ۱۳۹۱.
- ۳- دانشور، سیمین. شناخت و تحسین هنر. مجموعه مقالات، تهران: کتاب سیامک، چاپ اول، ۱۳۷۵.
- ۴- رضایی جمکرانی، احمد، «نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی»، دو فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، ش ۵، ۸۵ - ۱۰۰، ۱۳۸۴.
- ۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا. صورخیال در شعر فارسی. تهران: آگاه، ۱۳۸۹.
- ۶- شمیسا، سیروس. آشنایی با عروض و قافیه. تهران: فردوس، ۱۳۸۱.
- ۷- ——— بیان و معانی. چاپ هشتم، تهران، فردوس. ۱۳۸۳.
- ۸- فتوحی، محمود. بلاغت تصویر. تهران: سخن، ۱۳۸۵.
- ۹- لاهوری، اقبال. جاویدنامه. ناشر: دکتر وحید قریشی، طبع خاص، ۱۹۸۲.
- ۱۰- محمدی آسیابادی، علی، «فرافکنی و شخصیت‌بخشی در شعر حافظ»، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلّم، سال ۱۴، ش ۵۲ و ۵۳، ۱۱۱-۱۳. ۱۳۸۵.
- ۱۱- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: توس، ۱۳۷۳.
- ۱۲- همتی، امیرحسین، «تشخیص در شعر سلمان ساوجی»، کیهان فرهنگی، ش ۲۱۳، ۶۰-۶۳، ۱۳۸۳.
- ۱۳- یمین، محمدحسین، «تشخیص از دیدگاه زبان‌شناسی»، نامه فرهنگستان، ش ۱۴، ۸۳، ۹۱، ۱۳۷۸.

